



|| شماره ۱ || سال اول || پاییز ۱۳۹۶ ||

پژوهش‌های باستان‌شناسی گورستان عصر آهن گندآب شهمیرزاد، استان سمنان

عبدالمطلب شریفی هولایی*

(صص: ۶۰-۴۹)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۰۳

چکیده

محوطه تاریخی گندآب خرنند واقع در شه‌میرزاد استان سمنان، شامل بقایای معماری و گورستان اقوامی از عصر آهن است. ماحصل سه فصل کاوش در گورستان و استقرارگاه، منجر به شناسایی تعداد بیش از ۹۰ گور و محوطه مسکونی به وسعت حدود ۵۰۰۰ متر مربع گردید. این محوطه طی ۳ فصل در سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵ ه.ش. مورد کاوش باستان‌شناسانه قرار گرفته است. ماحصل کاوش در فصل اول، شناسایی بیش از ۲۵ گور بوده که متأسفانه بعضی از این گورها قبلاً توسط حفاران غیرمجاز باز شده بودند. در این کاوش سعی شد که از همان گورهای باز شده در جهت به دست آوردن و تکمیل اطلاعات مربوط به سنت تدفین و آداب و رسوم اقوام ساکن در گندآب و ویژگی‌های معماری گورها استفاده شود. فصل دوم کاوش نیز به ادامه مطالعات باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، و همچنین مطالعه زمین‌شناسی، نقشه‌برداری و شبکه‌بندی محوطه گندآب پرداخت. در این فصل ۱۷ گور مورد کاوش قرار گرفت. سومین فصل در سال ۱۳۸۵ کاوش علاوه بر گورستان در محوطه استقرار نیز پیگیری شد و برای نخستین بار محوطه مسکونی ساکنان گندآب بررسی شد. در فصل اول دو فرضیه در باب عدم تناسب بقایای معماری و استقرار اقوام ساکن در گندآب نسبت به وسعت گورستان مطرح شد.

کلیدواژگان: باستان‌شناسی سمنان، گورستان، عصر آهن، گندآب، خرنند.

مقدمه

محوطه گندآب طی ۳ فصل در سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵ ه.ش. مورد کاوش باستان‌شناسانه قرار گرفته است. ماحصل کاوش در فصل اول، شناسایی بیش از ۲۵ گور بوده که متأسفانه بعضی از این گورها قبلاً توسط حفاران غیرمجاز باز شده بودند. در این کاوش سعی شد که از همان گورهای باز شده در جهت به دست آوردن و تکمیل اطلاعات مربوط به سنت تدفین و آداب و رسوم اقوام ساکن در گندآب و ویژگی‌های معماری گورها استفاده شود. فصل دوم کاوش نیز به ادامه مطالعات باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، و همچنین مطالعه زمین‌شناسی، نقشه‌برداری و شبکه‌بندی محوطه گندآب پرداخت. در این فصل ۱۷ گور مورد کاوش قرار گرفت. سومین فصل در سال ۱۳۸۵ کاوش علاوه بر گورستان در محوطه استقرار نیز پیگیری شد و برای نخستین بار محوطه مسکونی ساکنان گندآب بررسی شد. در فصل اول، دو فرضیه در باب عدم تناسب بقایای معماری و استقرار اقوام ساکن در گندآب نسبت به وسعت گورستان مطرح شد.

۱- اقوام ساکن در منطقه یا دارای گورستان مشترک بوده‌اند یا اقوام دامداری بودند که به صورت پراکنده در منطقه زندگی می‌کرده‌اند و اجساد مردگان خود را در یک گورستان مشترک دفن می‌نموده‌اند.

۲- گستردگی گورستان به این دلیل بوده که در دوره‌های مختلف و در درازمدت در آن تدفین انجام شده است.

با توجه به فرضیه اول تصمیم گرفته شد که بررسی در محوطه‌های هم‌زمان انجام پذیرد و مشخص شود که آیا تمام سکونت‌گاه‌های هم‌زمان با گندآب و خرنند دارای گورستان هستند یا نه؟ در این بررسی متوجه شده‌ایم که بدون استثناء تمام سکونت‌گاه‌ها از قبیل دازگاره، گندآب، خرنند، خطیرکوه و... خود دارای گورستان مستقل هستند.

با توجه به فرضیه دوم که وسعت گورستان را با انجام تدفین در دوره‌های مختلف توجیه می‌کرد، تصمیم گرفته شد به منظور دست‌یابی به بقایای فرهنگی دیگر دوره‌ها گمانه‌زنی انجام پذیرد.

خوشبختانه در اولین گمانه‌ای که در داخل ترانشه L.X حفر گردید، به گوری دست یافتیم که معماری و سنت تدفین در آن با گورهایی که در جنوب گورستان در ارتفاع بالاتر قرار داشتند، کاملاً تفاوت داشت. در گورهای جنوب گورستان، قبور در داخل صخره کنده شده و شیوه تدفین نیز به صورت طاق باز بوده، ولی در گورهایی که در گمانه‌زنی به دست آمده‌اند، بدنه قبور با سنگ چیده شده و نوع تدفین نیز از طاق باز به صورت جمع شده و چمباتمه درآمده است.

با توجه به اشیاء به دست آمده از داخل گور و نحوه تدفین به نظر می‌رسد قدمت تدفین از نوع چمباتمه، قدیم‌تر از تدفین طاق باز بوده است. چشمه‌ای در پایین تپه قرار دارد که به دلیل این که آب آن دارای بو و مزه است، مردم منطقه از آن به عنوان «گندآب» نام می‌برند و خانواده‌های ساکن در این محل، از این آب به عنوان آب شرب استفاده می‌کنند.

موقعیت جغرافیایی محوطه باستانی گندآب

این محوطه به فاصله تقریبی ۵۱ کیلومتری شمال سمنان و ۲۶ کیلومتری شمال شهر شه‌میرزاد و در حدود ۳ کیلومتری غرب جاده شه‌میرزاد به ساری در طول شرقی ۵۳/۲۸/۲۳ و عرض شمالی ۳۵/۵۴/۲۱ قرار دارد. ارتفاع گندآب از سطح آب‌های آزاد ۲۲۸۰ متر است (تصاویر ۱ و ۲).



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای از منطقه (Google Earth).



تصویر ۲. تصویر هوایی گندآب از (Google Earth).

جهت قبور تابع شرایط جغرافیایی کوه بوده؛ بدین‌گونه که سر در جهت خلاف شیب کوه و پاها در جهت شیب کوه قرار می‌گرفته است.

ب: معماری قبور

به‌لحاظ وجود بافت صخره‌ای، گورهای گورستان گندآب به شیوه خاصی حفر می‌شدند. گورها باتوجه به اندازه قد افراد آماده می‌شدند. در مجموع معماری قبور در این گورستان از چهار نوع



تصویر ۴. نمای تدفین نوع طاق باز (نگارنده).



تصویر ۵. نمای تدفین نوع چمباتمه (نگارنده).

ساختار برخوردار است:

- ۱- قبور دست‌کند در صخره؛
- ۲- قبور یک‌چینه؛
- ۳- قبور دوچینه؛
- ۴- قبور چهارچینه.

۱- قبور دست‌کند در صخره: این نوع قبور در داخل صخره کنده می‌شدند و بعد از قرار دادن اجساد و اجرای مراسم تدفین، نخست آن‌را با تخته‌سنگ پوشانده و سپس روی آن‌را با خاک پُر می‌کردند. در برخی از قبور مشاهده شد که درز بین تخته‌سنگ‌ها را با سنگ‌های کوچک و ملات گل می‌پوشاندند تا خاک به داخل قبر نفوذ نکند (تصویر ۶).

۲- قبور يك چينه: در این نوع قبور یکی از دیوارهای طولی گور با سنگ به صورت خشکه‌چین بنا می‌شد و پوشش تخته‌سنگی گور به صورت شیب‌دار روی آن قرار می‌گرفت (تصویر ۷).

۳- قبور دوچينه: در این نوع تدفین، دو دیواره طولی گور با قلوه‌سنگ و لاشه‌سنگ چیده می‌شد و روی آن‌را با تخته‌سنگ می‌پوشاندند. در دیواره این نوع قبور يك تا چهار طاقچه تعبیه می‌گردید. وجود طاقچه در بین دیوارها از ویژگی‌های معماری قبور گندآب و خرنده می‌باشد؛ هم‌چنین قبوری یافت شده‌اند که فاقد طاقچه هستند (تصویر ۸).

۴- قبور چهارچينه: دیوارهای داخلی این نوع قبور، چه طولی و چه عرضی با قلوه‌سنگ و لاشه‌سنگ به صورت خشکه‌چین بنا می‌شدند. در دیواره این نوع قبور، يك تا چهار طاقچه تعبیه می‌گردید و داخل طاقچه‌ها اشیاء و مواد غذایی قرار می‌گرفت. با رسیدن به پوشش سنگی روی قبور، به تجربه دریافتیم که می‌توان جنسیت اسکلت را تشخیص داد. اقوام ساکن در گندآب



تصویر ۷. نمای گور با معماری يك چينه (نگارنده).



تصویر ۶. نمونه تدفین دست‌کند داخل صخره (نگارنده).

برای زن‌ها اشیاء بیشتری قرار می‌دادند؛ لذا اشیاء بیشتر نیاز به جای بیشتر، و جای بزرگتر نیاز به تخته سنگ بزرگتری برای پوشش روی گور داشته است (تصویر ۹).

پوشش روی گورها

پوشش روی گورها در گندآب تخته سنگ‌هایی است که از معدن سرآور در جنوب گندآب تأمین می‌شده است. بعضی از تخته سنگ‌ها به صورت یک پارچه بودند که به مرور زمان در اثر فشار شکسته و به داخل گور فرو ریختند. در بعضی موارد سنگ‌ها با استفاده از تیرهای چوبی بر روی گور قرار می‌گرفتند (تصویر ۱۰). در مواردی نیز دیده شده که درز بین تخته سنگ‌ها را با سنگ‌های کوچکتر و ملات گل می‌پوشاندند (تصویر ۱۱) تا خاک به داخل قبر نریزد.



تصویر ۹. نمای گور با معماری چهارچینه (نگارنده).

تصویر ۸. نمای گور با معماری دوچینه (نگارنده).

قدمت گورستان گندآب

مواد فرهنگی تاریخی یافت‌شده از گندآب و مقایسه داده‌ها با گورستان‌های خطیرکوه و شهزوار که توسط اسماعیل یغمایی در سال ۱۳۶۴ ه.ص. حفاری شد (یغمایی، ۱۳۶۴)، گورستان کنار رودخانه تلار در قائم‌شهر که توسط یزدان نورانی حفاری گردید (نورانی، ۱۳۷۶)، اشیاء محوطه باستانی گرمابک و تماجان در گیلان و اشیاء به دست آمده از حوزه جنوبی دریای مازندران (صمدی، ۱۳۳۸)، نمونه‌های قیطریه در استان تهران (کامبخش فرد، ۱۳۷۳)، یافته‌های خورویین در استان البرز (VandenBerghe, 1964) و همچنین مقایسه با داده‌های گورستان‌های کلورز (خلعتبری، ۱۳۷۶) و مریان-تندوبین (خلعتبری، ۱۳۸۴) در استان گیلان، می‌تواند قدمت گورستان گندآب را در حدود اواخر هزاره دوم پ. م. تا اوایل هزاره اول پ. م. تخمین بزند.

اقتصاد معیشتی

جغرافیا و ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر اقلیم منطقه، امکان کشت انواع محصولات کشاورزی را سخت



تصویر ۱۱. تخته‌سنگ پوشش روی گور (نگارنده).

تصویر ۱۰. تیر چوبی روی گور (نگارنده).

نموده است. کشاورزی از اهمیت کمتری نسبت به دامداری برخوردار است و در این منطقه کشاورزی در خدمت دامداری است، این موضوع در بقایای استخوان حیوانی، مانند بز و گوسفند که در داخل ظروف تدفین قرار گرفته بود نیز کاملاً مشخص است و دلیلی است بر این که اقتصاد مبتنی بر دامداری و شبانی در بین ساکنان گندآب رایج بوده است. امروزه نیز بعد از طی قرن‌ها به دلیل وجود مراتع غنی، هنوز مردم این منطقه براساس دامداری امرارمعاش می‌کنند.

در طی کاوش سال ۱۳۸۵ ه.ش. در محوطه مسکونی گندآب، تعداد زیادی سنگ‌ساب، مشت، هاون و دسته‌هاون به دست آمد که نشان‌دهنده استفاده ساکنین گندآب از دانه‌های گیاهی در سبذ غذایی‌شان است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا اقوام ساکن در گندآب خود به کشاورزی می‌پرداختند یا دانه‌های نباتی را از مناطق استقرار زمستانه (سواحل جنوبی دریای مازندران) جهت تأمین آذوقه به بیلاق (گندآب) می‌آوردند؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان عنوان نمود که، تراس‌های قابل کشت در منطقه شناسایی شد و اظهارات افراد سال‌خورده نیز مبنی بر کشت گندم و جو در گذشته مسجل گردیده است. اشیاء گورستان گندآب به صورت متنوع و از حداقل یک ظرف سفالین تا انواع ظروف با تعداد زیاد وسایل و لوازم رزم و زینت‌آلات و انواع مهره‌هاست؛ به طوری که تنوع اشیاء از لحاظ کمیت بسیار زیاد بوده است. این نکته نشان می‌دهد که جامعه مستقر در این محوطه باستانی دارای موقعیت اقتصادی بسیار متفاوت بوده و فقیر و غنی در کنار یکدیگر با یک شیوه واحد دفن شده‌اند و تنها نشانه تفاوت در بین آن‌ها، اشیاء و ابزار موجود در کنار آن‌ها بوده است.

هنر در میان اقوام ساکن در گندآب

مردم ساکن در گندآب اقوامی هنرمند، و یا در ارتباط با مراکز هنری دیگر بوده‌اند. هنرهایی که مردم ساکن در این منطقه با آن آشنا بوده‌اند، شامل هنرهای سفال‌گری، فلزکاری و هنرهای تزئینی بوده است.

۱- هنر سفال‌گری

اقوام ساکن در گندآب سفال‌گرانی ماهر بودند. خمیر سفال‌های گندآب اکثراً به رنگ قرمز متمایل به قهوه‌ای است. سفال نخودی به ندرت دیده می‌شود. سفال نوع آشپزخانه‌ای با خمیر ترد و شکننده و بدنه دودزده نیز در بین سفال‌های یافت‌شده دیده می‌شود. در ساخت سفال‌ها از شن و ماسه به عنوان ماده چسباننده استفاده شده و سفال‌ها، هم چرخ‌ساز و هم دست‌سازند.

عمده سفال‌های گندآب از پخت کاملی برخوردارند، ولی بعضی از سفال‌ها نیم‌پخت و یا پخت آن‌ها ناقص است؛ طوری که کاملاً متلاشی شده‌اند.

از لحاظ نقش، سفال‌های گندآب اکثراً ساده و بدون نقش هستند، ولی در آن‌ها از نقش‌کننده و داغدار و به ندرت از نقش‌آزوده استفاده شده است.

شکل سفال‌های به دست آمده:

- کاسه با یک دسته عمودی یا افقی و یا یک آب‌ریز ناودانی شکل.

- جام‌های پایه‌دار با پایه‌های استوانه‌ای بلند یا کوتاه با یک دسته عمودی و آب‌ریز ناودانی شکل.

- جام‌های پایه‌دار با سه پایه و یک دسته عمودی یا افقی.

- قوری با یک دسته عمودی و آب‌ریز.

- آبخوری با یک دسته عمودی و فرم‌های متنوع دیگر.

سفال‌گر برای ایستایی دادن و ایجاد چسبندگی بیشتر در ظروف، اقدام به گندن قسمت‌هایی از محل اتصال دسته و پایه به بدنه می‌نمود و برای پخت و حرارت یک‌نواخت پایه ظروف، اقدام به ایجاد سوراخ به صورت افقی و عمودی می‌کرد تا حرارت به داخل قسمت قطور راه پیدا کند.

وجود سفال‌های تغییرشکل داده، گویای این موضوع است که سفال در محل تولید می‌شده است؛ نیز پیداست که برخی از ظروف سفالی در همان زمان مرمت شده بودند (تصویر ۱۲).

۲- هنر فلزکاری

اقوام ساکن در گندآب، فلزگران ماهر بودند. اشیاء فلزی به دست آمده از داخل قبور به روش چکش‌کاری و قالب‌گیری ساخته شده‌اند. طیف استفاده از فلزاتی چون: آهن، طلا، نقره، مس، سرب و مفرغ و همچنین تنوع فرم اشیاء فلزی حکایت از اوج آشنایی این اقوام با فلزات و هنر فلزگری دارد و وجود بوته در بین اشیاء خرنده نیز نشان می‌دهد که اشیاء فلزی در محل تولید می‌شده است.

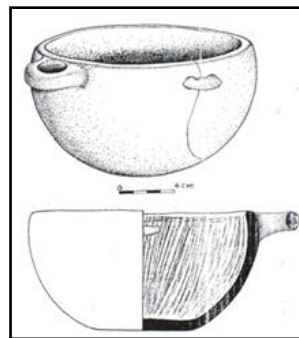
اشیاء فلزی مکشوف شامل اشیاء زیر می‌باشد:

- صفحه‌های مفرغی محدب که در سه نقطه مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (تصویر ۱۳)؛ در پس‌سر، که با یک سوزن موی سر را جمع می‌کرده، در روی کتف، که روی لباس دوخته می‌شده، و در قسمت سینه بر روی لباس که بیشتر برای زنان مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

- اشیاء مفرغی شبیه دکمه که کاربرد متنوعی داشته؛ به عنوان مثال: آویز در گردن به همراه صدف، دست‌بند، گوشواره، سربند و دکمه.

- سنجاق‌های مفرغی با یک صفحه شبیه دکمه که هم به عنوان سنجاق سینه و هم به عنوان سنجاق سر کاربرد داشته.

- دست‌بندهای مفرغی و آهنی که به صورت ورقه‌ای به پهنای حدود ۶ تا ۵ سانتی‌متر و ضخامت حدود ۲ میلی‌متر ساخته شده بودند و از دو سر باز و به وسیله دست‌بند دیگر در دست تثبیت می‌شدند. این نوع دست‌بندها معمولاً دارای نقش هستند اما به دلیل اکسیدشدن، نقش آن‌ها به سختی دیده می‌شود.



تصویر ۱۲. نمونه‌ای از ظرف سفالی مرمت شده (نگارنده).

- دست‌بندهایی به صورت مفتول به ضخامت ۰/۵ سانتی‌متر و قطر حدود ۷-۶ سانتی‌متر که به دو دسته‌اند؛ دو سرباز و حلقه کامل.

همچنین سوزن مفرغی در اندازه‌های مختلف، اشیاء تزئینی به عنوان آویز به صورت مهره‌های گرد و استوانه‌ای، آینه‌های مفرغی و پلاک‌های بزرگ و کوچک از جنس مفرغ، آهن و نقره، گوشواره‌های فنری شکل از جنس نقره، مفرغ، آهن و گوشواره‌های حلقوی از جنس مفرغ، طلا و نقره، طوق مفرغی؛ ابزارآلات جنگی، مانند زوبین، سر پیکان و خنجر از جنس آهن و مفرغ، و مهر مفرغی با نقش حیوانی (تصویر ۱۴) دیگر اشیاء به دست آمده هستند.

هنرهای تزئینی

این گروه شامل تمام اشیایی است که برای تزئین مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند؛ اعم از اشیاء سفالی، فلزی، سنگی، صدف‌های تزئینی و خمیر شیشه (تصویر ۱۵) و اشیاء تزئینی سفالی شامل آویزها، اشیاء تزئینی فلزی شامل مهره‌ها، پلاک‌ها و سایر موارد که در قسمت اشیاء فلزی توضیح داده شد. اشیاء سنگی شامل آویزها و مهره‌های سنگی که از جنس سنگ‌آهک و عقیق، و دارای اشکال متنوعی بوده‌اند. اشیاء تزئینی از جنس صدف که عموماً به عنوان گردن‌بند، آویز و سربند استفاده می‌شده‌اند، و مهره‌هایی از جنس خمیرشیشه که دارای اشکال متنوعی بوده و عموماً به عنوان گردن‌بند و دست‌بند مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

مقایسه اشیاء یافت شده از گندآب با دیگر محوطه‌های عصر آهن

- ۱- گور ۱، ترانشه O. X: شی شماره ۱ با سفال به دست آمده از خوروین، املش، طالش و خطیرکوه.
- ۲- گور ۱ ترانشه O. X: شی شماره ۵ با سفال به دست آمده از خرنده، خطیرکوه، قیطره و ظرف



تصویر ۱۳. محل صفحه‌های مفرغی محدب (نگارنده).



تصویر ۱۵. اشیاء تزیینی (نگارنده).



تصویر ۱۴. مهر مفرغی (نگارنده).

- موجود در گنجینه ساری با شماره اموالی ۴۷۲۵.
- ۳- گور ۱ ترانشه O. X: شیء شماره ۱۵ با حلقه‌ها و گوشواره‌های فنری به دست آمده از خورویین، کلورز، طالش، خطیرکوه، قیطریه و ظرف موجود در گنجینه ساری.
- ۴- گور ۱ ترانشه O. XI: شیء شماره ۳ با کاسه آبریزدار به دست آمده از طالش، کلورز، تامیجان، گرمابک، خطیرکوه، قیطریه، خرنند، زیارت گرگان و کاسه‌های گنجینه ساری با شماره اموالی ۱۲۷۵-۵۳۷۳-۲۳۸۳-۲۳۲ و کاسه موجود در گرگان با شماره اموالی ۷۸.
- ۵- گور ۱ ترانشه R. XIV: ظرف سفالی پایه‌دار قابل مقایسه با ظرف پایه‌دار گرمابک، تامیجان، خطیرکوه، خرنند و گنجینه ساری با شماره اموالی ۲۲۹.
- ۶- گور ۲ ترانشه S. XIV: شیء شماره ۴ جام سفالی پایه‌دار قابل مقایسه با جام پایه‌دار قیطریه، لفورک سوادکوه مازندران، خطیرکوه و گنجینه ساری با شماره اموالی ۴۷۲۵-۳۰۱۱ و موزه گرگان با شماره اموالی ۷۴.
- ۷- گور ۱ ترانشه T. XI: ظرف سفالی درپوش دار قابل مقایسه با نمونه مکشوف در خطیرکوه.
- ۸- گور ۱ ترانشه T. XI: دستبندها قابل مقایسه با دست‌بندهای املش، طالش، کلورز، خطیرکوه، قیطریه، خرنند، زیارت گرگان و گنجینه ساری و خورویین.
- ۹- گور ۱ ترانشه T. XIII: قوری سفالی قابل مقایسه با نمونه به دست آمده از خطیرکوه، خرنند، لفورک سوادکوه و گنجینه ساری با شماره اموالی ۸۹۲.
- ۱۰- گور ۱ ترانشه T. XIII: مهره‌های آهکی و صدفی (ناز گربه) قابل مقایسه با نمونه خرنند، خطیرکوه، ساری، گرگان، خورویین، کلورز، تندویین، طول، مریان.
- ۱۱- گور ۳ ترانشه T. XIII: شیء شماره ۴ قابل مقایسه با نمونه خرنند، خطیرکوه و کلورز.
- ۱۲- گور ۱ ترانشه U. XIII: طوق مفرغی قابل مقایسه با نمونه خرنند، خطیرکوه و خورویین.
- ۱۳- گور ۱ ترانشه K. IX: شیء شماره ۲ قابل مقایسه با نمونه املش، طالش، کلورز، خطیرکوه، قیطریه، خرنند، لفورک، تالار قائمشهر، تامیجان، گرمابک و خورویین گرگان با شماره اموالی ۱۷ و گنجینه ساری با شماره اموالی ۱۱۰۳-۵۳۷۶-۱۹۰-۱۹۲-۱۰۶۴-۸۷۲-۵۵۸۱-۲۳۸.

نتیجه‌گیری

نگارنده به دلیل کمبود منابع منتشرشده، مجبور شد به اشیاء موجود در گنجینه‌های استان‌های شمالی (گلستان، مازندران و گیلان) که اکثر آن‌ها محصول حفاری‌های غیرمجاز هستند، استناد کند و آن‌ها را با اشیاء به دست آمده از گندآب تطبیق دهد. شایان ذکر است که متأسفانه به دلیل عدم شناخت صحیح از این دوره، بسیاری از اشیاء ذکرشده در مستندات استان‌های فوق‌الذکر به اشتباه تاریخ‌گذاری شده‌اند.

براساس شواهد و مدارک موجود، اقوامی در اواخر هزاره دوم تا اوایل هزاره اول پ. م. (آهن II

و III) به صورت پراکنده در مناطق کوهستانی البرز و در کنار منابع آبی استقرار داشته‌اند. اقتصاد معیشتی این اقوام برمبنای دامداری بوده و جهت تعلیف دام در فصول گرم سال از سواحل پست دریای مازندران به مناطق کوهستانی کوچ می‌کرده و در مراتع غنی همچون: خرنده، دارگازه، خطیرکوه، گندآب و... اسکان می‌یافته‌اند. این اقوام با هنر سفال‌گری، فلزگری و نیز هنرهای تزئینی آشنا بوده‌اند.

این اقوام دارای معماری منسجمی بودند و از مصالح محلی و بومی منطقه چون: سنگ، گل و چوب درخت آوَرَس (سروکوهی) استفاده می‌کردند. سلسله مراتب و پایگاه اجتماعی در گندآب براساس کمیت و کیفیت اشیاء قابل تشخیص است. آنان کنارزن‌ها، نسبت به مردها اشیاء بیشتری قرار می‌دادند. اقوام ساکن در گندآب به دنیای پس از مرگ اعتقاد داشته و به همراه مردها سفالینه، اشیاء فلزی، سنگی و مواد غذایی قرار می‌دادند و با توجه به بقایای پارچه، می‌توان دریافت که مردها را با لباس دفن می‌کرده‌اند.

کتاب‌نامه

- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۷۶). «کاوش در کلورز گیلان». *یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش*. ویراستار: سید محمود موسوی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۳). «کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش (مریان-تندوین)». سازمان میراث فرهنگی، اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان (نتشر نشده).
- صمدی، حبیب‌الله (۱۳۳۸). «گزارش حفاری‌های گرمابک و تماجان». *گزارش‌های باستان‌شناسی*. جلد اول و دوم، انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۷۳). *تهران سه هزار و دویست ساله*. تهران: نشر فضا.
- نورانی، یزدان (۱۳۷۶). «گزارش تکمیلی بررسی و شناسایی آثار موجود در منطقه میانی رودخانه تالار شهرستان قائم‌شهر و رودخانه بابل شهرستان بابل». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران (منتشر نشده).
- یغمایی، اسماعیل (۱۳۶۴). «کاوش‌های باستان‌شناسی گورستان شهزوار، تنگه خطیرکوه، شه‌میرزاد سمنان». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان (منتشر نشده).

- Vanden Berghe, L. A. (1964). *La Necropole de khurvin*. Leiden.